

تصویر آفرینی بلاغی در خاوران نامه ابن حسام خوسفی

(ص ۲۰۲-۲۸۵)

فریبا عطا شیبانی^۱

تاریخ دریافت مقاله: ۹۲/۱/۱۶

تاریخ پذیرش قطعی: ۹۲/۳/۲۰

چکیده

خاوران نامه منظومه‌ای حماسی دینی است که ابن حسام خوسفی در قرن نهم آن را سروده. این اثر از جهت سبک و بیان حماسی برای بیان داستان‌هایی خیالی از مبارزات علی(ع) و یارانش در سرزمین خاوران به نظم کشیده شده است.

هدف مقاله حاضر آن است که در حوزه تصویرگرایی و ابزارهای آن تازیان نامه را که خلاصه ارزنده‌ای از خاوران نامه است در دو شاخه بیان و برخی از صنایع بدیعی پرکاربرد، مورد بررسی قرار دهد.

تصویر آفرینی و بلاغت ابن حسام در خاوران نامه در راستای تداعی معانی چگونه است؟ ابن حسام خوسفی برای اینکه تأثیر کلام و قدرت بیان خود را به مراتب بیشتر و عمیق‌تر سازد از هنرهای بیانی و برخی از صنایع بدیعی با توانمندی استفاده نموده، این پژوهش پس از بررسی مقدمه و هزار بیت از متن کتاب با روش آماری و سپس تحلیل گونه‌ای بر محتوای آن نشان میدهد که ابن حسام ضمن بیشترین استفاده از هنر بیانی تشبیه در متن، تصویر را در خدمت موضوع حماسی و بیان باورهای دینی خود قرار داده است.

کلمات کلیدی

ابن حسام خوسفی، خاوران نامه، تصویرگرایی، بیان و بدیع

۱. دکترای زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه پیام نور طبرس f.atasheibani@gmail.com

مقدمه

از آنجایی که هرکس در زندگی خاص خود تجربه‌های ویژه خود را دارد، طبعاً صورخیال او نیز دارای مشخصاتی است و شیوه خاصی دارد که ویژه خود اوست و نوع تصاویر هر شاعر صاحب اسلوب و صاحب شخصیتی بیش و کم اختصاصی اوست (شفیعی کدکنی، صورخیال، ص ۲۱).

فنون یا صناعات ادبی، بخشی از شیوه‌های زیبایی‌آفرینی سخن هستند، یعنی بخشی از شگردهایی که زبان را به شعر تبدیل میکنند یا به گفته ساختگرایان، در زبان نظام جدیدی به وجود می‌آورند و سبب آشنایی زدایی و غرابت آن میگردند.

دستگاه بلاغی برجسته‌ترین و مهمترین دستگاه زبان ادبی است که میتوان روند آفرینش ادبی را در آن ملاحظه نمود.

توانمندی ابن حسام خوسفی سبب شده است تا وی بتواند تصاویر زیبای بلاغی در شعر خود بیافریند و از سحر الفاظ در بیان خود بهره‌ها گیرد. بسیاری از توصیفات زیبا و هنرمندانه شعرش خاص خود اوست. وی در منظومه خاوران نامه خویش از هنرهای بیانی و بدیع در راه القای اندیشه‌های خود بهره برده است که البته کمیت و چگونگی استفاده از این صنایع نیز در این پژوهش مورد بررسی قرار میگیرد.

یکی از ارزشهای خاوران نامه از جهت سبک و بیان حماسی بخصوص در حوزه توصیف و تصویرگری و استفاده از ابزارهای آن است. زیرا این عناصر، وسیله‌ای است برای ملموس‌تر و محسوس‌تر کردن صحنه‌های متنوع و مختلفی که در بستر شعر حماسی روی میدهد و به عنوان یکی از معیارهای سنجش کیفی اثر حماسی به شمار می‌آید. در شعر حماسی، توصیفات و تصاویر، با استفاده از ابزارهای خاصی از قبیل تشبیه، استعاره مجاز، کنایه و اغراق نمایانده میشوند.

درباره زندگی ابن حسام خوسفی و اشعار وی تا کنون پژوهشهایی صورت گرفته است از جمله مقالاتی که در فصلنامه خراسان پژوهی به مناسبت بزرگداشت وی در پاییز و زمستان سال ۱۳۷۸ چاپ و منتشر شده است همچون «روایای صادق و بازتاب آن در خاوران نامه» از پروین دخت مشهور، «مخاطب شناسی در قصاید ابن حسام خوسفی» از محمود اکرامی، روان شناخت شعر ابن حسام» از اصغر ارشاد سرابی و... مقاله علمی پژوهشی با عنوان «تاثیر پذیری ابن حسام خوسفی در قصیده و غزل از شاعران سبک خراسانی و عراقی» از رحمان ذبیحی، الیاس نورایی و یونس جلوذاری و در مقدمه دیوان ابن حسام به اهتمام احمد احمدی بیرجندی و محمد تقی سالکبه صورت مختصر تنها به برخی از صنایع شعری در دیوان وی اشاره شده است و تاکنون پژوهشی مستقل به این موضوع نپرداخته است و این

مقاله میتواند در زمینه شناخت سبک شعر ابن حسام با بررسی تصویر آفرینی بلاغی وی در تازیان نامه تازگی داشته باشد.

این مقاله به نقش هر کدام از این ابزارها در ابلاغ پیام و میزان تناسبشان با شعر حماسی و کاربرد آن، همراه با ذکر شواهدی از تازیان نامه، که خلاصه با ارزشی از خاوران نامه است، میپردازد. این بررسی نشان میدهد که سراینده این اثر از طریق مطالعه و نگرش به شاهنامه فردوسی، با روشها و فنون زبانی و بیانی شعر حماسی و ظرایف آن آشنا شده و به خوبی توانسته است در این زمینه اثر ارزشمندی را پدید آورد. به هنرهای بیانی در خاوران نامه اشاره میشود و نیز پاره ای دیگر از صنایع بدیعی که کاربرد بیشتری دارد نیز نمونه‌هایی آورده شده است.

توصیف

ابن حسام خوسفی در خاوران نامه به شرح دلاوریها و فداکاریهای علی(ع) در چهار چوب حماسه و با تکیه بر زبان و بیان شاهنامه فردوسی میپردازد. اثر وی حماسه ای مذهبی است و بویژه در حوزه تصویرگرایی و توصیف و ابزارهای متنوع آن که از ویژگیهای ذاتی شعر حماسی است قابل بررسی است، به این سبب در ابتدا با نگاه کوتاهی به وصف و تصویر و تاثیر آن در شعر حماسی ابن حسام خوسفی میپردازیم.

وصف، عاملی مهم در شعر برای کمال بخشیدن به آن همواره مورد توجه شاعران بوده است، وصف در حقیقت ترسیم نمودن محسوسات و مشهودات است. وصف میدانهای جنگ و شرح پهلوانیهای قهرمانان یک اثر حماسی همواره مورد توجه شاعران حماسه سرا بوده است بهترین توصیفات خاوران نامه خاص صحنه‌های نبرد است. ابن حسام آنچنان جزئیات صحنه‌های نبرد را به تصویر میکشد که گویا خود در آن صحنه حضور داشته است. در مبارزه ابوالمحسن با نوادر در توصیف میدان جنگ میگوید:

برآویخت با او نوادر به جنگ دلیران به شمشیر بردند چنگ

ز ستم ستوران در آن مرغزار زهامون به گردون بر آمد غبار

(تازیان نامه: بیت ۴۴۵-۴۴۴)

ابن حسام در توصیف توانمند است، وی به اقتضای حال و مقام به کلمات روح میبخشد چه آنزمان که به توصیف زیبارویی میپردازد و چه زمانی که روح حماسه بر شعرش غالب میشود. گاه توصیفات ابن حسام در منظومه حماسی، رنگ بزمی به خود میگیرد و این از هنر

و آفرینش ذهن خلاق شاعر خبر میدهد و از زیباییهای خاص کلام اوست که وی به اقتضای توصیف و موقعیتی خاص، با زبانی نرم که متناسب حماسه نیست جلوه گر میشود.

در وصف گلچهره دختر جمشید شاه میگوید:

دلارامی آرام جان آمده دل از دست چشمش به جان آمده
غزال سیه چشم و صد دلبری ستاره جبینی و صد مشتری
(خاوران نامه: ص ۲۱۳-۲۱۲)

و در وصف سپاه میگوید:

زبس نیزه و تیغ و تیر و سپر نبذ در زمین سوزنی را گذر...
ابرمیمنه مالک رزمساز سر پهلوانان و گردن فراز
ابوالمحجن گرد بر میسره که در جنگ او شیر بودی بره
(خاوران نامه: ص ۳۳۵-۶)

توصیفات ابن حسام بگونه‌ای است که اجزای آن عمدتاً از پدیده‌های طبیعی گرفته شده است برای نمونه در توصیف طلوع سپیده میگوید:

سپیده پدید آمد از کوهسار شبیت از سیاهی همه دشت و غار
فلک را فریب دلاویز هور به کف برنهاد این درفشان بلور
(تازیان نامه: بیت ۲۴۹۴-۲۴۹۳)

و گاه توصیفات شعری وی از عناصر خیالی از قبیل تشبیه، استعاره، تناسب و اغراق بهره میبرد که اینگونه توصیفات نیز بیانگر توانمندی شاعر است. در ماجرای که پیامبر علی را به دنبال ابوالمحجن و سعد روانه میکند ابن حسام میگوید:

به آهستگی شاه خیبر گشای برون راند دلدل به نام خدای
پیاده شد اندر رکابش سپهر فلک تاج بر سر نهادش به مهر
بپوشید قنبر همانگه سلیح به خفتان و جوشن به گرز و رمیح
(تازیان نامه: بیت ۵۶۵-۵۶۸)

در نبرد رو در روی امیرالمؤمنین با تهماس با سود جستن از توصیف به آمادگی پهلوان برای مبارزه اشاره میکند:

بفرمود تا اسب را زین کنند دم و یال او گوهر آگین کنند
یکی زین درخشنده چون آفتاب مرصع به پیروزه و لعل ناب
نهادند بر پشت جنگی پلنگ بیستند تنگ گرانمایه تنگ

بیوشید تهماس خفتان جنگ کیانی کمر بر میان بست تنگ
(تازیان نامه: بیت ۳۲۷۰-۳۲۶۷)

یکی دیگر از موارد قابل توجه، به تصویر کشیدن صفات برجسته قهرمانان به همراه تشبیه است که با جوهر حماسه متناسب است.

که اینت بر و یال و بازو و چنگ به خشکی هژبر و به دریا نهنگ
(تازیان نامه: بیت ۴۳۹۴)

با توجه به اینکه سبک حماسی جزیل است و در آن عظمتها به تصویر کشیده میشود در خاوران نامه نیز چه از نظر انتخاب واژه‌های و چه از لحاظ مفهوم این تصاویر برجسته مینماید. جلوه‌هایی پررنگ از پدیده‌های طبیعی همچون دریا و ساحل و کوه و موجودات جاندار مانند شیر و پلنگ و... و نیز موجوداتی موهوم همچون دیو و پری، اژدها در تصاویر ابن حسام متجلی است.

چه مردی که داری نهاد نهنگ بر شیر داری و چنگ پلنگ
(تازیان نامه: بیت ۷۳۹)

نهنگ دلاور بر انگیخت شیر به دست اندرون اژدهای دلیر
(تازیان نامه: بیت ۳۴۱۱)

در توصیفات تازیان نامه، پری بارها باعث اسارت و گرفتاری میشود و نماد زیبایی و وسوسه‌گری است.

برای مثال مالک اشتر پس از گذر از راههای بلاخیز و پر آشوب به خاور زمین میرسد. وقتی گروهی به پذیره وی میروند، این بار مالک نه گرفتار گرگ درنده بلکه گرفتار دیو ویرانگر و جان نثار عشق میشود.

بتان پری روی زنجیر موی معنبر ز رفتارشان خاک کوی
خرامان شگرفان شگر فشان به بوی سر زلف عنبر فشان
یکی دختر اندر میان چون پری کزو رشک بردی بت آزی
(تازیان نامه: بیت ۱۲۵۸-۱۲۵۶)

و یا در جایی که کشتی مالک درهم میشکند بر روی پاره‌ای از کشتی شکسته به دامن کوهساری میرسند که بر تیغ آن کوه قلعه‌ای محکم و دست نیافتنی قرار داشت مالک خود را بازرگانی میشناساند که بار و اموالش همه امواج سهمگین دریا شده است و سرانجام پس از بار یافتن به درگاه شاه:

نشسته پریخ به سان پری سپاهی چو دیوش به فرمانبری
(تازیان نامه: بیت ۲۴۶۰)

و زمانی که آن حضرت برای آوردن به کوه بلور می‌رود، ابن حسام در ادامه می‌گوید:
که این تحفه ایدر سلیمان نهاد
کجا شد سلیمان که دیو و پری
ندانم که او را کجا بُرد باد؟
نهادیش گردن به فرمانبری
(تازیان نامه، بیت: ۲۶۲۸-۲۶۲۸)

محسوس بودن تصاویر مورد توجه شاعر است و حتی زمانی که از مفاهیم انتزاعی سخن می‌گوید در قالب امور محسوس طبیعی مینماید. وی توانسته است تناسب تصاویر شعرش را با موضوع رعایت کند.

یکی دیگر از مختصات تصاویر شعر ابن حسام در خاوران نامه رعایت اعتدال در بکارگیری تصاویر است. چرا که تصاویر شعری او در خدمت اهداف حماسه است و مفاهیم شعر او دیرپاب نیست.

رنگ اسلامی تصویرهای شعر ابن حسام از دیگر ویژگیهای صور خیال وی محسوب میشود چرا که او در عصر تیموری میزیسته که دوران رونق شعر مذهبی بوده است.

چو چشم علی بر نبی اوفتاد
فرود آمد از دلدل شیرزاد
به نزدیک پیغمبر آمد دوان
تو گفתי همی برفشاند روان
(تازیان نامه : بیت ۴۸۶۲-۴۸۶۱)

با توجه به اینکه این تصاویر با تشبیه، استعاره، کنایه و برخی دیگر از فنون ادبی جلوه‌گری میکنند به بررسی جلوه‌هایی از آن در تازیان نامه می‌پردازیم.

۱- بیان

ابن حسام در تقسیم بندی تشبیه از حسب عقلی یا حسی بودن طرفین، تشبیه محسوس به محسوس را در صدر تشبیهات خود دارد.

در تقسیم بندی تشبیه از نظر افراد و ترکیب طرفین، تشبیه مفرد به مفرد در شعر ابن حسام بیشتر دیده میشود.

شده تیغ در دست ، چوگان او سر گردنان گوی میدان او
(تازیان نامه: بیت ۴۱۹)

در بیت فوق تیغ به چوگان و سرها به گوی میدان تشبیه شده است که در هر دو تشبیه مشبه و مشبه به محسوس است.

چو تیغ از کمر برکشد آفتاب
کنم کشور از خون چو دریای آب
(تازیان نامه: بیت ۳۳۴۳)

کشور به مانند دریای خون شود.

یا :

بجنبید صلصال با انجمن هوا شد چو دریای چین موج زن
(تازیان نامه: بیت ۴۵۳۸)

که در مصرع دوم تمامی ارکان تشبیه نیز ذکر شده است.

تشبیه در کلام ابن حسام اغلب در فضایی حماسی مطرح میشود:
بر اندام من موی چون دشنه شد به خون تیغ سیراب من تشنه شد
(تازیان نامه: بیت ۴۶۹۶)

یا:

چو تیغ از میان برکشد روز کین بگرید چو ابر آسمان بر زمین
(تازیان نامه: بیت ۹۳۹)

این حسام با وجود اثر پذیری از فردوسی، در محتوی و زیباییهای بلاغی کلام خود را به آفرینشهای ادبی آراسته است.

تشبیه مرکب

دهد لاله سرخ را عکس نور چو بر شاخ سبز آتش از کوه طور
(تازیان نامه: بیت ۴۱)

در پس چنین تصاویر و تشبیهاتی شاعر اندیشه‌های دینی خود را نیز به تصویر میکشد و این یکی از ویژگیهای خاص شعر ابن حسام است که توانمندیهای شعری خود را در راه بیان اعتقادات و ابراز اندیشه‌های مذهبی خود به کار میبرد.
در تشبیهات ابن حسام عراق، ایجاز، و خیال انگیزی میتوان دید. با بهره بردن از تشبیه، در ستایش مقام رفیع قهرمان حماسه خود با عراقی شاعرانه میگوید:

فلک قبه طارم قدر توست زمین مفرش مسند صدر توست
(تازیان نامه: بیت ۲۸۲)

همراه با ایجاز

فروزنده ماهی ز اوج صفا وجودش چو القاب او مصطفا
(تازیان نامه: بیت ۱۵۶)

ابن حسام از تشبیه بلیغ نیز بهره میبرد و از آن جایی که در این نوع تشبیه ادات و وجه شبه حذف میشود تشبیهات وی موجز و زیباست.

کلیم سخن گستر آمد به پیش گلیم سخن بافت بر قدر خویش
(تازیان نامه: بیت ۲۲)

گلیم سخن، تشبیه بلیغ اضافی است و کلیم سخن گستر در مصراع اول بیانگر اعتقادات دینی و دانسته‌های مذهبی اوست که شعرو زیباییهای آنرا اینگونه به خدمت گرفته است تا خواننده را با باورهای دینی خود همراه سازد.

هرگاه که خورشید شخصیت علی سر از افق اشعار حماسی بر می‌آورد، دیگر ستارگان آسمان شعر ابن حسام چندان مجالی برای درخشش نمی‌یابند. او محوری است که تشبیهات و اغراقهای شاعرانه در زمینه پهلوانیها و قهرمانیها بر گرد او می‌گردد.

زمانی که ساحل زمین به تسخیر علی(ع) در می‌آید ابن حسام به توانمندی علی اشاره میکند و از زبان قهرمان حماسه، با بهره‌گیری از تشبیه می‌گوید:

چنین گفت حیدر به مردان جنگ که این کشور آسان نیاید به چنگ
من امشب یکی بر خرامم به بام کنم صبح روشن بر این شهر شام
(تازیان نامه، بیت ۳۴۶۶-۳۴۶۵۹)

ابن حسام گاهی در مقام تشبیه برآمده و با اغراقی مطبوع، ممدوح خود را ستوده و او را متجلی به خصائل مردی و مردانگی قدرت میداند.

در ماجرای صف آرایی خاوران در برابر علی (ع) می‌گوید:

عنان تازی تیز تگ را سپرد چو شیران به دست تهی حمله برد
به سر پنجه آهنین چون پلنگ که بر غم زور آورد روز جنگ
(تازیان نامه، بیت ۱۰۰۷-۱۰۰۸)

ابن حسام با یاری قریحه توانمند خود توانسته است با آفرینش تشبیهات خاص در مضامینی که ساخته و پرداخته ذهن خلاق شاعر است هنرمندی خود را در این وادی نشان دهد.

در کلام ابن حسام اژدها مفاهیم نمادین متعددی پیدا میکند و به کرات در تشبیهات شعر او آورده میشود مانند:

دگر ره هلال اندر آمد چو شیر بغرید چون اژدهای دلیر
(تازیان نامه: بیت ۵۳۱)

در شعر ابن حسام بارها خورشید طلوع و غروب میکند و وی سخنش به دراز گویی نمی‌انجامد و حتی صبح و شب را از دیدگاه حماسی به تصویر میکشد.

چو زنگی شب رفت و رومی روز به سر بر نهاد افسر سیم سوز
(تازیان نامه، بیت ۱۱۶۹)

یا:

سیاهی سر اندر کشیدن گرفت ز هر سو سپیده دمیدن گرفت
زبان ز آتش ز چرخ کبود زمانه ز آفاق بزدود دود
(تازیان نامه، بیت ۵۹۸-۵۹۹)

تشبیه در کلام ابن حسام زمانی به اوج خود میرسد که هر یک از ارکان تشبیه نوعی جنبش و عظمت را به تصویر میکشد. با توجه به اینکه این اثر حماسی است اجزایی که در تشبیهات ابن حسام به کار رفته است از پدیده‌های طبیعی همچون کوه، آسمان، و... و

موجوداتی مانند شیر، پلنگ و... شکل میگیرد. ابن حسام با خوارق عادت از مفاهیم موهوم خیالی در عناصر تصویری شعرش یاری میطلبد و با آوردن مفاهیم محسوس سعی میکند آن را مادی سازد.

همه دشت شد پر سر و یال و دیو بر و سینه و سفت و چنگال دیو
بیفکنند چندان ز دیوان گروه که از کشته هر سو تلی شد چو کوه
(تازیان نامه : ۱۲۲۴-۱۲۲۵)

در مقدمه تازیان نامه استفاده از مجموع ۳۷۱ بیت ۳۵٪ به تشبیه اختصاص مییابد و با بررسی هزار بیت آغاز متن تازیان نامه ۴۸٪ یعنی بیشترین درصد به تشبیه اختصاص یافته است.

(همچنین در ابیات: ۳۷۳-۳۷۹-۳۸۷-۴۱۹-۴۳۰-۴۳۳-۴۳۵-۴۳۶-۴۳۷-۴۴۲-۴۷۴-۴۷۸-۴۹۰-۴۹۹-۵۰۲-۵۰۴-۵۱۲-۵۱۳-۵۳۱-۵۴۴-۵۴۵-۵۴۷-۵۶۱-۵۷۴-۵۷۵-۶۰۸-۶۱۷-۶۲۳-۶۵۶-۶۷۳-۶۹۱-۷۳۱ و... که ذکر ارجاع تمامی ابیات در این مجال ممکن نیست)

استعاره

در باره جایگاه استعاره در شعر حماسی دو دیدگاه وجود دارد برخی از منتقدان معتقدند «حماسه جای استعاره و حتی در مواردی تشبیه نیست و تشبیه در موارد خاصی از حماسه میتواند مورد استفاده قرار گیرد» (صورخیال در شعر فارسی، شفیی کدکنی، ص ۳۸۴) و دیدگاه دیگر اینکه: «برای حماسه در سطح ادبی از همه مهمتر استعاره است» (انواع ادبی، شمیسا، ص ۱۰۴)

در شعر حماسی روشنی تصاویر اصل است و استعاره در صورت پیچیده بودن آن را دیرپاب میکند. در متن خاوران نامه ابن حسام، کاربرد استعاره به نسبت تشبیه کمتر است و بگونه ای است که معمولاً شناختن ارتباط میان اجزای آن پیچیده نیست.

در شعر ابن حسام خوسفی نیز زیباییهای فراوانی از رهگذر استعاره به تصویر کشیده و خلق شده است. چرا که ابن حسام از میان تقسیمات استعاره از تشخیص (انسان انگاری، جاندار انگاری) به لحاظ کمیت و کیفیت بیشتر استفاده کرده است. تمامی این موارد بیانگر ذهن سیال و آفرینشگر ابن حسام است.

ز آسیب نعلش زمین خسته بود ز خون یلان خاک رخ شسته بود
(تازیان نامه : ۹۳۰)

استعاره مکنیه همراه با تشخیص در خسته بودن زمین و اینکه خاک رخ خود را با خون بشوید. گاه استعاره شعر ابن حسام در مظاهر طبیعت جلوه گر میشود:

بگرید بسی ابر فصل بهار
بخندد بسی لاله بر کوهسار
(تازیان نامه : ۹۳۰)

گریستن ابر و خندیدن لاله استعاره وجاندار انگاریست .
در تقسیمات استعاره به اعتبار مستعار منه ، استعاره مصرحه مجرد را میتوان در شعر
ابن حسام دید :

گرفتنش کمرگاه و از زین بکند
خم آورد بالای سرو بلند
(تازیان نامه : بیت: ۸۰۵)

سرو بلند به تعبیر ابن حسام استعاره مصرحه از میر سیاف شمشیر زن است .
یا در بیت زیر با بکار بردن استعاره میخواید بگوید وقتی روز روشن خاتمه یافت شب
ظلمانی فرا رسید که شب به سنگرف تشبیه شده و لاجورد پرند و دیبا از ملازمات مشبه‌به
ذکر شده است.

بر آسود سنگرف بر لاجورد
پرند سیه گشت دیبای زرد
(تازیان نامه : بیت : ۱۰۶۰)

گاه استعاره‌ها به اقتضای زبان حماسه با لغات حماسی همراه میشود.
چو خورشید تیغم در آید به تاب
سپر بفکند بر سپهر آفتاب
(تازیان نامه: ۳۲۵۳)

آفتاب سپر بیفکند که سپر افکندن کنایه از تسلیم شدن است و همراه با استعاره و
جاندار انگاری دیده میشود.
برخی از استعاره‌های بکار رفته در شعر ابن حسام آن است که در زبان ادبی کاربرد
تکراری و ثابتی یافته است مانند :

دو لعلش مفرح زیاقوت ناب
به لعل اندرون رسته در خوشاب
به غمزه ز چشمه خرد برده خواب
به سنبل گل سرخ را داده آب
(تازیان نامه: بیت: ۱۲۶۵-۱۲۶۴)

لعل، سنبل، در، خوشاب و گل که از استعاره‌ای رایج در زبان و ادب فارسی است و گاه
به اقتضای سخن استعاره‌هایی که قبل از آن به صورت تشبیه بکار رفته است و سپس به
گونه استعاره در می‌آید.

ابن حسام در بیان عبرت و اعتبار میگوید :

عروسی که خون تو کابین اوست
مبین زلف خالش که در دام توست
فریبندگی رسم آئین اوست
که این دانه و آن دگر دام توست
(تازیان نامه : بیت: ۱۲۴۰)

در حالیکه عروس یک تصویر غیر حماسی است و اینجا عروس استعاره مصرحه از دنیا است که خون انسانها به مانند کابین اوست؛ نشان میدهد که شاعر چگونه توانسته میان اشیاء و عناصر بظاهر بیارتباط و متنوع پیوند ایجاد کند؛ ارتباطی که با هیچ دید و توانی جز دید و توان شاعر دریافت نمیشود. به دیگر سخن هسته مرکزی خیالهای شاعرانه تشبیه است.

با توجه به ابیات مذکور باید گفت تصاویر استعاری خاوران نامه اغلب از عناصر طبیعی مایه گرفته است و بگونه‌ای نیست که مانع درک ارتباط معنایی میان اجزا شود و ابن حسام در خاوران نامه تصاویر استعاری را در خدمت بیان مفاهیم حماسی قرار میدهد.

در مقدمه تازیان نامه با ۰/۰۵۲، استعاره بیشترین حجم هنر بیانی را در کلام ابن حسام به خود اختصاص داده است و نیز در هزار بیت آغازین تازیان نامه استعاره با ۲۹٪ کاربرد، بعد از تشبیه قرار دارد.

(همچنین در ابیات: ۳۷۹-۳۸۸-۴۱۰-۴۴۷-۵۱۵-۵۲۹-۵۵۴-۵۹۷-۵۹۹-۶۲۴-۶۵۳-

۷۰۱-۷۰۴-۷۴۴-۷۷۵-۸۰۵-۸۳۷-۸۷۰-۹۱۵-۹۳۰-۹۳۹-۹۸۰-۹۹۶-۱۰۶۰-۱۱۰۳-

۱۱۲۶-۱۲۱۳-۱۲۵۰-۱۲۶۴-۱۲۶۰-۱۲۷۰-۱۲۷۲-۱۲۷۹-۱۲۸۴-۱۳۰۳)

کنایه

استفاده از مثل در شعر ابن حسام زیرساخت بسیاری از انواع کنایه‌ها (تلویح، رمز، ایما، تعریض) را تشکیل میدهد که میتوان به میزان بهره بردن وی از این آرایه پی برد. کنایات منظومه خاوران نامه به اعتبار مکنی عنه بیشتر کنایه از مصدر است. مثلها با معنای کنایی:

کسی قطره هرگز به عمان برد
ملخ تخت پیش سلیمان برد
(تازیان نامه: بیت ۴۹۲۷)

نگه دار سر رشته خوب و زشت
که هر کس بیابد گلیم آنچه رشت
(تازیان نامه: بیت ۱۸۶۷)

بخش بزرگی از این کنایه‌ها همانهایی هستند که در شعر پیشینان بویژه فردوسی مورد استفاده قرار گرفته است.

ابن حسام:

چو بشنید حیدر سرش خیره گشت
همه شهر در چشم او تیره گشت
(تازیان نامه: بیت ۲۴۳۶)

دنیا در برابر دیدگان تیره و تار شدن مفهوم کنایی به همراه دارد.

در سفارش به دادورزی و پرهیز از غفلت میگوید:

گرت خرمنی هست فردا به کار
بکش رنج و امروز تخمی بکار
(تازیان نامه: بیت ۲۷۰۷)

در خاوران‌نامه به کنایاتی بر میخوریم که ریشه در آداب و رسوم و فرهنگ مردم دارد و بازتاب رفتارهای فردی و اجتماعی آنان است. کنایاتی که گویا آیین زندگی هستند و رنگ و عَرَف و عادت به خود گرفته‌اند.

بدو گفت تهماس کای نامور
ز کار تو خون دارم اندر جگر
(تازیان نامه: بیت ۳۳۰۶)

خون در جگر داشتن کنایه از اوج اندوه است
سواران سر از پای نشناختند
عنان را همه پاردم ساختند
(تازیان نامه: بیت ۳۱۴۴)

«سر از پای نشناختن» کنایه از شوق بسیار است.

بسی دیدم اندر جهان سرد و گرم
ندیدم به مردی بسان تو مرد
(تازیان نامه: بیت ۴۵۵۶)

گرم و سرد روزگار دیدن کنایه از: باتجربگی است.

که تا من به شاهی کمر بسته‌ام
فراوان سپه را که بشکسته‌ام
(تازیان نامه: بیت ۱۷۸)

کمر بستن کنایه از آماده شدن.

در نرمی و آشتی را ببند
سخنگوی با من به گرز و کمند
(تازیان نامه: بیت ۳۳۱۳)

که در هر دو مصرع کنایه وجود دارد و بیانگر آغاز ستیز و پایان دوستی است.

این حسام‌گاه با استفاده از کنایه مفاهیم را به صورت نقاشی به تصویر میکشد:
چو تیر از ره راستی میشتافت
چو با راستی بود مو میشکافت
(تازیان نامه: بیت ۱۱۳۰)

کنایه در مقدمه تازیان‌نامه ۰/۱۲ و در هزار بیت آغازین متن تازیان‌نامه ۰/۲۰ را به خود اختصاص میدهد.

(همچنین در ابیات: ۳۹۶-۴۵۱-۵۰۸-۵۰۹-۵۱۰-۵۱۰-۶۵۱-۶۹۳-۷۰۶-۷۱۳-۷۲۰-۷۲۰-۸۴۵-۸۵۷-۸۶۳-۹۴۸-۹۶۰-۱۱۲۸-۱۱۲۹-۱۱۳۰-۱۱۳۰-...)

مجاز

اسنادهای مجازی شعر ابن حسام اگر چه در مقایسه با سایر هنرهای بیانی درصد کمتری را به خود اختصاص میدهد اما بر زیبایی و لطف سخنش می‌افزاید بخصوص که این اسنادها در بعضی از ابیات با همراه شدن دیگر صنایع، تصاویری بدیع می‌آفریند.

همه دشت پر زاری و ناله بود ز خون روی هامون همه لاله بود
همه دشت پر ناله و گفتگوی از آن کشتگان خون همی شد به جوی
(تازیان نام: بیت ۲۹۲۶)

که در ابیات فوق دشت مجاز از مردم با علاقه محلیه است.
در ادبیات فارسی ماه بیشتر مظهر زیبایی و روشنی و نمونه علو و بلندی است و در ارتباط با این مفاهیم است که کاینات و استعارات و ترکیبات متعدد از قلم خیال آفرین شاعران به تصویر کشیده شده است. در کلام ابن حسام، گاه (ماه) مجاز از اوج آسمان است. به اسلام گردن نهاد آن سپاه سر رایت دین برآمد به ماه (تازیان نامه: ص ۸۷)
در ماجرای صف آرای خاوران در برابر علی (ع) ابن حسام میگوید:
بدان ژرف دریا خرد شد سپاه به ماهی خبر داد کشتی ز ماه (تازیان نامه: ص ۱۷۷)
مجاز در مقدمه تنها ۰/۰۱ و در ابیات بررسی شده در متن ۰/۰۳ را به خود اختصاص داده است. (همچنین در ابیات: ۶۶۲-۶۸۴-۱۰۴۷-۱۴۹)

۲- بدیع (آرایه های معنوی)

اغراق

اغراق یا مبالغه، مانند «تناسب و مراعات نظیر» یا «تشبیه» جزء ذات سخن ادبی است و کمتر اتفاق میافتد که سخن ادبی نظم یا نثر از این نوع صنایع خالی باشد، مخصوصا مبالغه و اغراق در اثر حماسی ارزش بسیار بالایی دارد. مبالغه و اغراق جزو ذات آثار حماسی است و به عبارت دیگر از مختصات آثار حماسی محسوب میشود. در حماسه قهرمان فردی مافوق بشری است و از این رو، رفتار و کردار او غیر طبیعی است. مبالغه علاوه بر آثار حماسی در قصیده که قالبی حماسی است فراوان دیده میشود. در شعر غنای و عرفانی نیز آنجا سخن از قهرمانان اساطیری است با همین اغراق و مبالغه مواجهیم (نگاهی نو به بدیع، شمس: ص ۷۷)
در ساختمان حماسه مبالغه نیرومندترین عنصر خیال شاعرانه است و در کلام حماسی ابن حسام نیز دیده میشود و به شعرش صلابت و پویایی میبخشد. برای هر چه با شکوهرتر جلوه دادن قهرمان حماسه خود، علی (ع)، از تصاویر آمیخته با اغراق بهره میگیرد.
بلرزید در بیشه غران هژبر تو گفستی که رعد اندر آمد به ابر (تازیان نامه: ۹۱۵)
که با اغراقی زیبا فریاد علی را رعد آسا میداند که تا اوج آسمان منعکس میشود.

معمولاً در شعر حماسی، اغراق مبتنی بر تشبیه و اسناد مجازی است و ابن‌حسام با بکار بردن اغراق در منظومه‌ی خاوران‌نامه با تخیل قوی خود به شعرش حیات و حرکت می‌دهد و در موضوعات حماسی شعرش بخوبی از عنصر اغراق بهره می‌برد.

برفتند مردان جنگی ز جای
زمین کر شد از ناله‌ی کرّ نای

(تازیان‌نامه: بیت ۱۰۴۲)

ابن‌حسام در ماجرای شبیخون علی(ع) بر تهماس در بیان فریاد رعدآسای علی و قدرت دلدل می‌گوید:

بزد نعره ای حیدر تیز هوش
به چرخ بلند اندر افتاد جوش
برانگیخت دلدل سپهدار دین
ز نعلش بجنیید ساحل زمین

(تازیان‌نامه: بیت ۳۱۴۲-۳۱۴۱)

یا در توصیف میدان نبرد و قدرت ستوران می‌گوید:

ز سم ستوران زمین گشت چاک
بدرید گفתי گریبان خاک

(تازیان‌نامه: بیت ۳۲۰۱)

در ماجرای علی و پنج‌راه ابن‌حسام می‌گوید:

بدان کوه شد شیر کشور گشای
سَر کوه را کرد در زیر پای
چو بر تیغ آن کوه خارا رسید
تو گفתי به هامون و صحرا رسید

(تازیان‌نامه: بیت ۱۳۲۱-۱۳۲۰)

شیر کشورگشای استعاره از علی است که هر ناممکنی برای او ممکن می‌شود و ابن‌حسام در این ابیات با اغراقی زیبا میزان توانمندی علی را به تصویر میکشد. قلّه کوه خارا برای او همانند صحرائی می‌شود که گذر از آن آسان مینماید.

(همچنین در ابیات: ۳۹۰-۴۰۴-۴۰۵-۴۴۵-۴۸۰-۵۴۴-۶۲۵-۶۶۴-۶۸۳-۱۰۳۱-)

(۱۱۲۵-۱۲۲۷)

لف و نشر

در بخشی از خاوران‌نامه که مالک گرفتار دیو ویرانگر و جان‌نثار عشق می‌شود، ابن‌حسام می‌گوید:

به روی و به موی و به چشم آن بهار
گل و سنبل و نرگس آبدار
خط و خال او دانه و دام دل
به خوبی دل‌آرام و آرام دل
شکر بود و بادام چشم و لبش
دوای دل و طوق جان غبغبش

(تازیان‌نامه: بیت ۱۲۶۸-۱۲۶۶)

در بیت اول به ترتیب روی، موی، چشم لفها هستند و گل، سنبل و نرگس نشرهای مربوط به آن که لف و نشر مرتب ساخته است و نیز در بیت پنجم خط و خال، لفها و دانه و دام، نشرها هستند و نیز در بیت سوم شکر، لب است و بادام، چشم که از لف و نشر مشوش استفاده کرده و تصویر زیبایی ساخته است.

شراب و کباب ار نداری مشور
که فرجام این هر دو تلخ است و شور
(تازیان نامه بیت: ۱۴۴۵)

که شراب تلخ است و کباب شور. کاربرد لف و نشر در مقدمه و نیز در هزار بیت آغاز تازیان نامه در مقایسه با سایر هنرهای بدیعی اندک است.

مُراعات نظیر

آوردن واژه‌هایی از یک دسته است که با هم هماهنگی دارند. این هماهنگی میتواند از نظر جنس، نوع، مکان، زمان و یا همراهی باشد. مراعات نظیر سبب تداعی معانی است. مراعات نظیر پرکاربردترین آرایه در ادبیات فارسی است.

به زیر سم اسب جنگ آزمای
تن کشته بود و سر و دست و پای
که همراهی تن، سر، دست و پای مراعات النظیر ساخته است. یا:
ز دیبا و دینار و خز و حریر
همان مفرش و فرش و تاج و سریر
ز شمشیر و گرز و کلاه و کمر
ز تیر و کمان و کمند و سپر
(تازیان نامه: بیت ۱۱۷۸-۱۱۷۷)

که در بیت اول همراه شدن دیبا و خز و حریر حماسی نمینماید اما در بیت دوم همراهی واژگان، فضای حماسی را در ذهن تداعی میکند.

ز تیر و کمان و کمند و عمود
جز این هر چه باشد که شایسته بود
(تازیان نامه: بیت ۱۶۷۱)

در مصراع اول همراه شدن ابزار جنگ تناسبی زیبا برای به تصویر کشیدن فضای حماسی ساخته است.

تناسب ۲۱٪ در متن و ۱۶٪ در مقدمه به خود اختصاص داده است.

(همچنین در ابیات: ۴۱۳-۴۱۸-۴۴۹-۴۷۰-۵۵۱-۵۵۶-۵۵۹-۶۶۵-۷۰۴-۷۰۷-۷۳۹-۸۷۵-۸۸۵-۹۳۹-۱۰۵۶-۱۰۹۳-۱۰۹۸-۱۱۵۲-۱۱۷۸ و...)

تلمیح

خاوران‌نامهٔ ابن حسام اسطوره‌های بسیاری دارد و اشاره به برخی از دانسته‌های تاریخی، اساطیری و... است که سبب شده تلمیح در کلام وی تداعی لذتبخش‌تری به وجود بیاورد. تلمیحات ابن حسام گاه زمانی جلوه‌گری میکنند که شاعر دارد اندرز میدهد یا در مناجات و راز و نیاز با معبود است و یا آن زمان که از طبیعت و طلوع و غروب سخن می‌گوید. به دلیل مذهبی بودن خاوران‌نامه از اساطیر که بگذریم بیشتر اشارات او به اولیای دین است و داستانهای پیامبران و امامان است.

به دلو آرمیده زلیخای ماه فروزنده چون یوسف از قعر چاه
(تازیان‌نامه: بیت ۳۱۱)

اشاره دارد به ماجرای یوسف و دلدادگی زلیخا، که تمامی تلمیحات شعر ابن حسام خبر از آگاهی وی از داستانها و اسطوره‌های دینی و تاریخی و طبیعی است.

لبت منبع چشمهٔ آب نوش خضر بر کنار لبت آب نوش
(تازیان‌نامه: بیت ۲۸۹)

که اشاره دارد به ماجرای خضر و آب حیات. تلمیح در مقدمه ۳۲٪ و در هزار بیت آغزین تازیان‌نامه ۵٪ را به خود اختصاص داده است.

(همچنین در ابیات: ۷۰۵-۷۰۶-۷۰۷-۷۰۸-۷۰۹-۷۲۵-۷۹۳-۸۴۴-۹۳۴-۱۲۵۸)

۳- بدیع (آرایه‌های لفظی)

جناس

در شعر ابن حسام انواع جناس دیده میشود.

ز پیش پیمبر برون شد چو باد همی گفت جانم فدای تو باد
(تازیان‌نامه: بیت ۱۴۸۸)

باد قافیه است با جناس تام.

درفشانِ دُرفشانِ پیکر به زر تو گفتی گشاده است طاووس پر
(تازیان‌نامه: بیت ۱۵۳۰)

جناس ناقص اختلافی بین دُرفشان و دُرفشان .

همه بومش از اطلس روم بود ز هر بوم نقشی بر آن بوم بود
(تازیان‌نامه: بیت ۱۵۴۹)

جناس ناقص بین بوم و روم و نیز بوم و بوم جناس تام دارد.

چنین است چرخ فلک را مدار تو چشم مدار از مدارش مدار
(تازیان‌نامه: بیت ۵۰۸)

تکرار واژهٔ مدار با داشتن جناس.

در تازیان نامه ابن حسام از انواع جناس در مقایسه با دیگر هنرهای بدیعی بیشترین استفاده را کرده است. به طوریکه در مقدمه ۱۷ درصد و در هزار بیت تازیان نامه ۴۸ درصد را به خود اختصاص داده است.

(همچنین در ابیات: ۳۸۴-۳۸۶-۳۹۳-۳۹۹-۴۰۰-۴۱۴-۴۱۵-۴۵۹-۵۱۳-۵۱۷-۵۲۱-۵۲۰-۵۲۳-۵۳۵-۵۳۷-۵۴۹-۵۷۷-

۶۴۵-۶۵۱-۶۷۰-۶۸۵-۶۹۰-۷۹۳-...)

تکرار و واج آرایبی

که قدر شب اندر شب قدر یافت	به شب ماه قدرش از آن رو بتافت
وزان شب، شب قدر شد بهره مند	شب قدر او قدر او شد بلند
(تازیان نامه: بیت ۱۸۸-۱۸۷)	

که تکرار واژه‌های قدر و شب بگونه‌ایست که نه تنها بر موسیقی درونی شعر افزوده بلکه تاثیر سخن را نیز بیشتر ساخته است.

چو شیران به شمشیر بگشاد چنگ کشید از نیام آتش آب رنگ (تازیان نامه: بیت ۴۳۶۲)

که تکرار صامت (ش) در بیت فوق سبب موسیقی و زیبایی بیت شده است.	در این کشور از دانش و دین من
چو آینه میتافت آیین من	کنون بختم آیین دیگر نهاد
که آیینم از دین حیدر نهاد	(تازیان نامه: بیت ۵۹۶-۵۹۵)

که صامت نون با بسامد بسیار تکرار شده است.

نیوشنده را کر همی کرد گوش	خروشیدن جوشن و جوش پوش
(تازیان نامه: بیت ۸۱۱)	

تکرار صامت (ش) آفریننده موسیقی درونی است و بر تأثیر شعر می افزاید. گاه شاعر با آوردن چند صنعت ادبی در یک بیت بر لطف و زیبایی سخنش می افزاید برای نمونه:

دل از دست چشم و من از دست دل	فرو رفت پای من و دل به گل
(تازیان نامه: بیت ۱۱۶۴)	

گل و دل جناس ناقص اختلافی دارند، پای دل استعاره مکنیه و تشخیص است، دست و پا و چشم مراعات نظیر ساخته است، پای به گل فرورفتن کنایه از وابستگی است، تکرار واژه دل و دست.

(همچنین در ابیات: ۴۵۴-۴۵۹-۰۸-۵۹۶-۵۹۹-۷۴۸-۸۰۹-۸۱۲-۸۴۷-۸۹۷-۹۰۰-۱۰۵۳-۱۲۲۶-۱۲۵۳)

نتیجه

در خاوران نامه، ابن حسام تصاویر را در خدمت بیان موضوع حماسی قرار داده است و کاربرد صور خیال ناشی از تخیل نیرومند سراینده است و نشأت گرفته از آشنایی وی با فنون و رموز زیبایی‌ساز سخن است. ابن حسام خوشفی توانسته است علاوه بر توصیفات و تصویرسازیهای هنرمندانه از هنرهای بیانی در منظومه خاوران نامه خود بهره‌برد و نیز به برخی دیگر از صنایع بدیعی نیز توجه داشته است. با تأمل در خاوران نامه میتوان گفت که وی استفاده از صور خیال در شگردهای بیانی و گاه در عناصر بدیعی در خلق معانی و تقویت مفاهیم خاوران نامه، نقش اساسی دارند و کلام ابن حسام در توصیفات به اقتضای حال و مقام، گاه با لطافت و نرمی همراه میشود و آنجا که حماسه و نبرد در میان است با استفاده از تصاویر بلاغی صلابت را میتوان در کلامش حس نمود و میان اندیشه‌های اعتقادی و اجتماعی ابن حسام و شیوه‌های بلاغی پیوستگی وجود دارد که بررسی آن، میتواند سبک و سیاق او را از دیگران ممتاز کند.

منابع

۱. انواع ادبی، شمیسا، سیروس، چاپ دوم، انتشارات فردوس، تهران ۱۳۷۳.
۲. بیان و معانی، شمیسا، سیروس، چاپ پنجم، انتشارات فردوس، تهران ۱۳۷۹.
۳. تاریخ نظم و نثر در ایران و زبان فارسی، نفیسی، سعید، چاپ دوم، نشر فروغی، تهران ۱۳۶۳.
۴. تازیان نامه پارسی (خلاصه خاوران نامه)، خوشفی، ابن حسام، تصحیح حمیدالله مرادی، چاپ اول، تهران، مرکز دانشگاهی، ۱۳۸۲.
۵. خاوران نامه، خوشفی، ابن حسام، تصحیح حیدر علی خوش کنار، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی، ۱۳۷۵.
۶. زیباشناسی سخن پارسی (بیان)، کزازی، میرجلال‌الدین، نشر مرکز، چاپ اول، تهران ۱۳۶۸.
۷. شعر بی دروغ شعر بی نقاب، زرین کوب، عبدالحسین، سازمان انتشارات جاویدان، چاپ چهارم، تهران ۱۳۶۳.
۸. صورخیال در شعر فارسی، شفیعی کدکنی، محمدرضا، انتشارات آگاه، چاپ سیزدهم، تهران ۱۳۸۸.
۹. صورخیال در شعر فارسی، شفیعی کدکنی، محمدرضا، انتشارات آگاه، چاپ ششم، تهران ۱۳۷۵.
۱۰. معانی و بیان، تجلیل، جلیل، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ دوم، تهران ۱۳۶۳.
۱۱. نگاهی نو به بدیع، شمیسا، سیروس، چاپ هشتم، فردوس، تهران ۱۳۷۵.